

## فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار

در این گفتار دربارهٔ ارتباط بین تعلق خاطر ما به وجود مقدس امام زمان (عج) و تعلق باطنی ما به وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام و از سوی دیگر، رسالت ما در قبال این دو دلبستگی، سخن می‌گوییم.

### عاشورا، نهضتی متفاوت

به شکل‌های مختلفی می‌توان عاشورا و فرهنگ شهادت را بررسی کرد. گاهی موضوع به شکلی است که رسالتی بر دوش ما نمی‌گذارد. اگر دربارهٔ شکست‌ها و پیروزی‌هایی که در تاریخ اتفاق افتاده‌است، بحث کنیم، بسیاری از این شکست‌ها و پیروزی‌ها برای انسان مومن که در پیچه‌های غیب به رویش باز شده، رسالتی نمی‌آورد. مثلاً جنگ‌های نژادی، جنگ‌های اول و دوم جهانی که بیش از چهل میلیون کشته داشت، برای یک مومن دغدغه و انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند. این‌گونه نیست که او در یک طرف معادله بایستد و به نفع یا ضرر گروهی موضع بگیرد؛ چون انگیزه هیچ‌یک از دو طرف، ارزش این را ندارد که خون مومنی در این میان ریخته شود.

آیا حادثه عاشورا هم این‌گونه بوده است؟ آیا این حادثه را باید قبیله‌ای یا قومی دانست؟ آیا عاشورا گذشته و فقط برای تاریخ‌نگاری باید این جنگ را

تحلیل کنیم یا جنگی است که در ما انگیزه ایجاد می‌کند؟ به گونه‌ای که احساس می‌کنیم باید یک طرف میدان بایستیم. بعد از عاشورا موضع‌گیری‌ها کاملاً شفاف است. یا در جبهه سیدالشهدا علیه السلام هستیم یا در جبهه مقابل و ما باید تلاش کنیم در جبهه سیدالشهدا علیه السلام باشیم. این نوع نگاه به عاشورا با نگاه یک مورخ غیرشیعی تفاوت دارد. براساس نگاه ما در یک سوی این جنگ، کسی ایستاده است که امام تاریخ است، او امام مصعوم است که با این جنگ، تاریخ را تغییر می‌دهد.

### امام زمان (عج) بنیان‌گذار جامعه آرمانی

درباره ظهور هم بحث این‌گونه است. آینده‌نگری پدیده‌ای است که از آغاز با انسان بوده است. براساس همین اندیشه، آرمان مدینه‌های فاضله و جامعه‌های آرمانی را ترسیم می‌کرده‌اند. بی‌شک درباره مدینه فاضله فارابی و جامعه موعودی که افرادی همچون افلاطون وعده داده‌اند، شنیده‌اید. باید دانست مشیت خدای متعال این نبوده که موازی با دستگاه ولایت نبی اکرم صلی الله علیه و آله دست‌هایی هم برای ابلیس خلق کند؛ بلکه خلقت دستگاه ابلیس، خلقتی تبعی است و در همین دنیا به پایان می‌رسد. دوران تحقق ولایت نبی اکرم و ظهور ولایت حضرت در همین دنیا فرا می‌رسد. این بشارت انبیا و اولیا است. طبیعتاً دیگران هم از این دعوت استفاده کردند و جامعه‌های موعود دیگری را ترسیم نمودند.

### مسئولیت‌پذیری در تحقق جامعه موعود

حرکت جهان به سمت جامعه موعود را می‌توان به گونه‌ای ترسیم کرد که بار رسالتی برای ما ایجاد نکند و تنها روحیه امید را در ما زنده نگه دارد؛ امید به رسیدن روزی که کلمه حق ظاهر می‌شود و بشر بر محور ولی خدا، پروردگار را عبادت می‌کند.

ممکن است براساس بعضی از اندیشه‌های مادی که حرکت عالم را حرکتی غیراختیاری و جبری می‌دانند، معتقد شویم که تاریخ بشریت به سمت یک جامعه موعود حرکت می‌کند و این حرکت هم جبری است و اراده انسان در شکل‌گیری آن حضور ندارد. به تعبیری، اصلاً انسان صاحب اراده نیست. این نگاه به آینده، مسئولیت‌آفرین نیست. حرکت ما باید به سمت خدای متعال باشد و در تحقق آن جامعه موعود مشارکت کنیم. به تعبیر دیگر، مهم‌ترین عبادت ما این است که در این عبادت تاریخی حضور پیدا کنیم که این‌گونه در عبادت همه تاریخ شریکیم.

### امکان همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام در همهٔ زمان‌ها

در نهج البلاغه می‌خوانیم که امیرالمومنین علیه‌السلام در پاسخ آن کسی که گفت: ای کاش برادرم می‌بود و پیروزی شما را در جنگ جمل بر دشمنانتان می‌دید. فرمودند: «أَهْوَىٰ أَحْيَاكَ مَعَنَا»<sup>۱</sup> آیا دل برادر تو با ما بود؟ مرد پاسخ داد: بله یا امیرالمومنین. او دوست می‌داشت در کنار شما باشد. در کنار شما شمشیر بزند و شما را یاری کند. حضرت فرمود: او با ماست. انسان‌هایی با ما هستند که هنوز به دنیا نیامده‌اند. آنان چون دلشان با ماست و از پیروزی ما خوشحال می‌شوند، در این عبادت عظیم تاریخی شریکند.

پس ما می‌توانیم خودمان را وقف جامعه موعود کنیم. از سوی دیگر، اگر ما نقش خودمان را در هر دوره تاریخ ایفا کردیم، پس از آنکه دوران ظلمانی تاریخ به پایان رسید، در عصر ظهور می‌توانیم به این دنیا بازگردیم و در دوره ظهور ولایت ولی الله، نقش خودمان را در عبادت خدای متعال در بهره‌مندی از ولایت حضرت ایفا کنیم.

۱. شرح نهج البلاغه: ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، ج ۱، ص ۱۲.

## تعریف جامعه موعود

جامعه موعود چیست؟ چه خصوصیتی دارد و معنی منتظر بودن نسبت به آن جامعه چیست؟ اکنون در نقطهٔ مقابل فرهنگ انبیا، دستگاه‌های مادی قرار دارند و تلاش می‌کنند با تبلیغات فراوان، سخنان و برنامه‌های انبیا را تنها یک خیال‌پردازی جلوه دهند؛ تخیلی که امکان تحقق ندارد و اگر هم تحقق پیدا کند، شکل مطلوبی نخواهد داشت. به تعبیر آنها این جامعه، جامعه‌ای تمامیت‌خواه است که در آن برای عقلانیت اجتماعی بشر، سهمی وجود ندارد. از نگاه آنها، تنها لیبرال دموکراسی می‌تواند بشر را به آرمان‌های خود برساند. آنها ایدئولوژی دموکراسی را تبیین کردند و سپس چشم‌اندازهای این جامعه را برشمردند و می‌کوشند قدم به قدم جامعهٔ جهانی را به سمت آن چشم‌انداز خود حرکت دهند و در این مسیر، اسلام و مکتب تشیع را رقیب جدی خود می‌دانند. در مکتب‌های الهی مانند مسیحیت و کلیمی، در دعوت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام و حتی حضرت نوح علیه السلام، آثار توجه به آن جامعه موعود به چشم می‌خورد؛ ولی در مکتب تشیع، این جامعه به صورت شفاف تبیین شده است.

## جنگ با امام زمان (عج) انگیزه اصلی صهیونیست‌ها برای حضور در خاورمیانه

اکنون ده‌ها مرکز در غرب، به‌ویژه در آمریکا که به صهیونیست‌ها وابسته‌اند، بر روی فرهنگ مهدویت مطالعه می‌کنند. بودجه سالانه بعضی از آنها بالای میلیارد دلار است. بسیاری از اهل نظر و صاحبان اندیشه معتقدند، انگیزهٔ اصلی این لشکرکشی نظامی، رویارویی با جریانی است که در حال رخ دادن است. مسائلی مانند نفت، منابع انرژی و تغییر فرهنگ در خاورمیانه در درجه دوم هستند. مسئلهٔ اصلی درگیری دستگاه ابلیس با وجود مقدس امام زمان (عج) است که به صورت یک جنگ نظامی تمام عیار ظاهر شده است. آنها نیرو پرورش می‌دهند و در این مسیر برنامه‌ریزی می‌کنند.

### تلاش برای تحقق جامعه موعود، بزرگ‌ترین عبادت است

در روایات آمده است که از انبیای اولوالعزم علیهم‌السلام نسبت به ولایت امام عصر(عج) میثاق گرفته شده است. واژه اولوالعزم به معنی صاحبان عزم به این سبب است که بار این رسالت، بر دوشان گذاشته شده است. آنها در پذیرش ولایت امام عصر(عج) کمترین درنگی نکردند. در تفسیر آیه **﴿وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾**<sup>۱</sup> می‌خوانیم که حضرت آدم علیه‌السلام به دلایلی نتوانسته همچون حضرت ابراهیم علیه‌السلام این بار را بردارد؛ بنابراین، اولوالعزم نشده است. جامعه موعود با مشارکت همه مؤمنان ساخته می‌شود و بزرگ‌ترین عبادت مومنین، مشارکت در تحقق آن است.

انبیای اولوالعزم و جانشینان آنان از آغاز به این جامعه توجه داشتند و هوشیارانه امت خود را در مسیر ولایت امام زمان(عج) قرار دادند و بار این ولایت را در زندگی خودشان به دوش کشیدند. اکنون برماست که فرهنگ مهدویت را به گونه‌ای شفاف ترسیم کنیم و بار مسئولیتی را که ولایت و انتظار بر دوش ما نهاده، درک نماییم.

### تأثیر شرایط خاص هر زمان در نوع مسئولیت نسبت به امر ظهور

وظیفه ما به عنوان یک شیعه، در تحقق ولایت ولی الله و اقامه امر ولایت آنها چه در باطن خودمان و چه در حیات اجتماعی، متناسب با مراحل تاریخ، متفاوت است. این‌گونه نیست که همه انسان‌ها در همه دوره‌ها، یک عمل را انجام دهند. باید دید حرکت عصر ظهور در چه مرحله‌ای است و باید رسالتمان را متناسب با همان مرحله تعریف کنیم.

بی شک شنیده‌اید که ائمه معصومین علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند که دور هم بنشینید و به دیدار هم بروید، به ملاقات همدیگر بروید که این احیای امر ماست. امر ما و ولایت ما با دیدار شما شیعیان و گفتگوهای شما احیا می‌شود. در روایتی دیگر می‌خوانیم: شما شیعیان دور هم بنشینید و احادیث ما را نقل و منتشر کنید که این احیای امر ماست.

زنده نگه‌داشتن امر خدا در نفس و باطن انسان و در جامعه، مراحلی را باید طی کند. مثلاً اگر بخواهید برای مردم خانه بسازید، ابتدا مکان آن را انتخاب می‌کنید، بعد بودجه‌اش را مشخص می‌کنید، سپس کار آغاز می‌شود.

### رشد فرهنگ تشیع، مقدمه ظهور

حرکت ما به سمت جامعهٔ موعود، یک حرکت تدریجی است که بر محور ولایت انبیا، اوصیا و ائمه معصومین علیهم‌السلام و از آغاز غیبت نیز بر محور ولایت امام عصر (عج) شکل گرفته‌است. البته وظیفهٔ شیعه در دوره‌های گوناگون فرق کرده‌است. این‌گونه نیست که در همهٔ دوره‌ها ما یک وظیفه داشته باشیم. در این دوره خدای متعال به ما حکومت شیعی عطا کرده‌است. گاهی تعداد شیعیان از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. «ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةَ نَفَرٍ»؛ جز سه چهار نفر برای امیر المومنین علیه‌السلام باقی نماند؛ یعنی جامعه تشیع در آن دوره چهار نفره بودند. رسالت آن دوره با اکنون متفاوت است. ائمه معصومین علیهم‌السلام گام به گام شیعه را جلو آوردند و فرهنگ شیعه را گسترش دادند؛ البته امکانات فرهنگی، مانند اکنون نبوده‌است.

وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام یک نقطه جغرافیایی پیدا کردند که این نقطه بسیار مهم است. این نشان می‌دهد که امت یک کانون جغرافیایی می‌خواهد، بعد

هم امامزاده‌های جلیل‌القدر مانند فاطمه معصومه علیها السلام به این منطقه آمدند. تا این که کم‌کم یک حکومت دینی شیعی و یک پادشاهی شیعی به وجود آمد.

### حکومت بر محور ولی فقیه، دورنمایی از حکومت امام زمان (عج)

به لطف خدا شیعه به مرزی از بلوغ رسید که دیگر به پادشاهی قانع نبود و حکومت دینی بر محور نایب امام عصر (عج) را می‌خواست که همان حکومت بر محور ولایت ولی فقیه است. اکنون، در این دوره هستیم. اگر ما سی سال قبل؛ مثل اصحاب کهف خوابیده بودیم و اکنون بیدار می‌شدیم، این جامعه برای ما غیر قابل تصور بود. اگر ما بخواهیم چشم‌انداز خودمان را عصر ظهور قرار بدهیم، رسالتی که روی دوش ما می‌آید، چیست؟

زمانی باید دور هم می‌نشستیم و احادیث ائمه علیهم السلام را می‌خواندیم. تلاش بسیاری برای جمع‌آوری این احادیث شده است. فرهنگ شیعی جامعه بر محور این احادیث شکل گرفته است. ما می‌پنداریم همه شیعیان مانند ما فکر می‌کردند، این گمان درست نیست. این پیشرفت محصول بیش از هزارسال کار است. اکنون باید بدانیم چشم‌انداز ما برای ترسیم حکومت برای وحدت اجتماعی، برای مشارکت در عبادت، برای بندگی اجتماعی چیست؟

دشمن دیگر به صورت فردی کار نمی‌کند. اگر می‌گوید ما جامعه موعود داریم، به سمت یک جامعه جهانی جهت‌گیری می‌کند. دشمن تمام جهان را برای رسیدن به هدف خود؛ یعنی یک جامعه جهانی مادی سامان می‌دهد. اگر هدف، حرکت به سمت عصر ظهور است، باید با این دشمن و رقیبی که در مقابل ماست، مبارزه کنیم. آنها می‌گویند: جنگ؛ جنگ دو تمدن است که هر دو ادعای جهانی‌سازی دارند. حالا رسالت ما در قبال آن چیست؟

اکنون وقت یک حرکت جمعی است. امروز باید برنامه مدون دنیای اسلام و

جهان تشیع را در مقابله با برنامه دشمن برای حرکت به سمت ظهور ترسیم کنیم. باید دانست که حرکت به سمت ظهور، به سرمایهٔ بسیار عظیم نیاز دارد. اولین گام، زمانی است که به دین حداکثری معتقد شدیم و باور کردیم باید به سمت جامعه‌ای حرکت کنیم که حکومت دینی در آن محقق می‌شود. همان‌گونه که امام علیه السلام و مقام معظم رهبری فرمودند: اگر به این سمت حرکت کردیم، بی‌درنگ باید بپذیریم که دیگر نمی‌توان با شرق و غرب کنار آمد. از وقتی دشمن احساس کرد که شما به سمت یک تمدن حرکت می‌کنید، با شما کنار نمی‌آید.

بنابراین، آماده‌سازی جامعهٔ شیعه و جامعهٔ جهانی برای عصر ظهور، تحمل سختی‌هایی را نیز در پی دارد. یعنی در اولین قدم، درگیری با دشمن اتفاق می‌افتد، دشمنی که نه با نژاد ما؛ بلکه با عقیدهٔ ما مخالف است.

### نهضت عاشورا، گامی بزرگ به سمت تحقق ظهور

برای اینکه بتوانیم در مسیر تحقق ظهور، روحیهٔ فداکاری، گذشت، سرمایه‌گذاری و شهادت‌طلبی را زنده کنیم، بی‌تردید باید در اندیشهٔ زنده نگاه‌داشتن فرهنگ عاشورا باشیم. در واقع عاشورا هم یک گام بزرگ به سمت زمان ظهور است. آشکارترین نقطهٔ درگیری نبی اکرم صلی الله علیه و آله با دستگاه ابلیس و فراغنه تاریخ، در عاشورا است. در آنجا فرهنگ شهادت محقق شد. از این دیدگاه اگر به عاشورا بنگریم، عاشورا و کار سیدالشهدا علیه السلام مهم‌ترین گامی است که در دستگاه نبی اکرم به سمت عصر ظهور برداشته شده است. بی‌تردید زنده نگاه‌داشتن آن فرهنگ، تأثیری شگرف در مسیر ظهور دارد. باید دید عاشورا چه فرهنگی را ایجاد کرده‌است؟

برای اینکه به سمت عصر ظهور حرکت کنیم، باید ببینیم فرهنگ عاشورا را چگونه در جامعه زنده نماییم؟ مفهوم شهادت چیست؟ چرا شهادت برای شیعه لازم است؟ این ضرورت، هم اکنون هم زنده است و اقتضا می‌کند که جامعهٔ



شیعه در آماده‌باش کامل به سر ببرد. نقش عاشورا در تحقق جامعه موعود انبیا و اولیا چیست؟

جامعه موعود، جامعه‌ای است که بشر در آن پاک می‌شود، به عبادت خدا می‌رسد و ولایت ولی‌الله را درک می‌کنند. حقایق و معارف ربانی، حقایق ولایت و اسرار ولایت افشا می‌شوند. بیست و پنج حرف از بیست و هفت حرف علم در آن دوره آشکار می‌شود، همه، اهل اسرار و اهل شهود می‌شوند.

### تولّی و تبری، دو بال برای رسیدن به نقطه موعود

ما چه خواهیم و نخواهیم برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ عاشورا، وظیفه‌ای را روی دوش ما گذاشته‌اند. آیا بدون شهادت‌طلبی و بدون آمادگی برای فداکاری، رسیدن به آن مقام ممکن است. شهادت، یک سکه دو روست؛ یک روی سکه، فداکاری همه جانبه، برای تحقق وعده با محبوب است. شهید، آن کسی است که عهدی با خدای خودش دارد. روی دوم سکه این است که غیر از تولّی و ابراز محبت به خدای متعال و اولیای الهی، برائت و موضع‌گیری نسبت به دستگاه دشمن هم در شهادت وجود دارد. آیا بدون این دو امر، رسیدن به آن نقطه موعود و مطلوب ممکن است.

### لزوم ترسیم جامعه عصر ظهور و حرکت بر طبق آن

در این مسیر، نگاه ما به امامت و ولایت اولیای معصوم و نقش این ولایت در رهبری بشر و تحقق عبادت، باید ترسیم شود. جامعه موعودی که ما می‌خواهیم به سمت آن حرکت کنیم، چه جامعه‌ای است؟ آیا جامعه‌ای است که در آن رفاه و امنیت مادی وجود دارد؟ آیا جامعه‌ای است که در آن بهره‌وری از دنیا توسعه پیدا می‌کند؟

پس اصل ولایت و پایان تاریخ که جریان ولایت ولی‌الله هست، باید ترسیم شود. بعد از این ترسیم، حرکت به سمت آن نقطهٔ موعود و تحقق عاشورا در آن نقطه خاص باید تبیین شود، سپس از رسالتی که ما در قبال عاشورا و عصر ظهور داریم، سخن به میان می‌آید. اکنون که در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام به سر می‌بریم، باید گفت هیچ چیز به اندازهٔ گریه بر سیدالشهدا علیه السلام و توجه به مصیبت حضرت در تهذیب نفوس و آمادگی نفوس برای درک عصر ظهور تاثیرگذار نیست. هدف ائمه معصومین علیهم السلام هم از دعوت شیعه به احیای امر عزاداری، آماده‌شدن جهان برای پذیرش خلافت الهی و اعتلای کلمهٔ توحید است که روایت‌های گوناگونی هم در این زمینه وجود دارد.

*ابن قولویه* در کامل‌الزیارات این روایات را بسیار زیبا جمع‌آوری کرده‌است. صدوق نقل می‌کند: *ریان بن شیبب* نقل کرده که در روز اول محرم محضر امام‌رضا علیه السلام رسیدم، حضرت فرمودند: اهل جاهلیت هم حرمت ماه محرم را نگه‌می‌داشتند؛ ولی این امت حرمت ماه محرم را شکستند و در این ماه اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به شهادت رساندند و نوامیس حضرت را به اسارت بردند. بعد حضرت فرمودند: «إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»<sup>۱</sup> اگر برای چیزی می‌خواهی گریه کنی، فقط برای امام حسین علیه السلام گریه کن. بعد فرمودند: «فَأِنَّهُ دُبْحٌ كَمَا يُدْبِحُ الْكَبْشُ».

در روایت دیگری فرمودند: اگر در روزی نام امام حسین علیه السلام در محضر امام‌صادق علیه السلام برده می‌شد، دیگر در آن روز کسی لب‌خند بر لبان امام‌صادق علیه السلام نمی‌دید، چه محرم چه غیر محرم.

در روایت نورانی دیگری امام رضا علیه السلام فرمود: وقتی محرم می‌رسید، کسی لبخند بر لبان پدر من نمی‌دید، تا روز عاشورا که روز عزای پدر من بود.

### اذن دخول به حرم ائمه علیهم السلام

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ»<sup>۱</sup> در زیارت عاشورا

رسم بسیار خوبی را بنا گذاشتند و از حضرت فاطمه علیها السلام برای عزاداری سیدالشهدا علیه السلام اجازه می‌گرفتند. وقتی زیارت می‌رویم، به ما می‌گویند، اجازه بگیرید و وارد حرم بشوید. از چه کسی اجازه بگیریم؟ از خدا، رسول خدا، ائمه معصومین علیهم السلام و ملائک مقرب؛ چون می‌خواهیم وارد محیط ولایت بشویم. همه آن کسانی که به نحوی حق دارند، برای ورود به این محیط باید اجازه بدهند؛ معنای اذن دخول همین است. انسان باید بتواند به محیط ولایت ولی‌الله، راه پیدا کند؛ از محیط ظاهریش تا محیط باطنیش؛ معنای این حرف غیر از این نیست، باید به انسان اجازه بدهند تا بتواند در عزاخانه امام حسین بنشیند و عزاداری کند.

*ابوهارون مکفوف* می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت فرمودند: در مصیبت سیدالشهدا علیه السلام شعر بخوان. اشعاری را انشا کردم. حضرت گریستند و اهل منزل هم، صدای ناله و ضجه اهل منزل بلند شد. بعد حضرت به من فرمودند: ابوهارون، ملائکه‌ای که در اینجا می‌گریستند و من می‌دیدم، بیش از انسان‌هایی بودند که گریستند، آنها شدیدتر گریه می‌کردند.

در روایات می‌خوانیم؛ چهار هزار ملک برای یاری امام حسین علیه السلام آمدند. وقتی رسیدند که کار عاشورا به پایان رسیده بود و آنها دیگر موفق نشدند حضرت

را یاری کنند. اجازه گرفتند، مانند در گرد حرم حضرت. کنار قبر مطهر حضرت و صبح و شب مشغول عزاداری برای حضرتند.

در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است عزاداری امام حسین علیه السلام منوط به اذن خدای متعال، اولیای معصوم و امام‌زمان (عج) است که به ما اجازه ورود به آن ساحت باطنی را بدهند تا بتوانیم حلقهٔ عزاداری امام‌زمان (عج) را درک کنیم و صدای ناله حضرت را بشنویم که هر گوشهٔ صدای نالهٔ حضرت را بشنود، دیگر آرام از او گرفته می‌شود: فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَأُبْكِينَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً لِيَّكَ!

### فضیلت گریه بر سیدالشهدا علیهم السلام

عزاداری برای امام حسین علیه السلام جزء بزرگترین عبادات است، گریه بر امام حسین علیه السلام شعله‌های جهنم را خاموش می‌کند، انسان را دوباره به محیط عبادت برمی‌گرداند.

### خورشید در خون غلطیده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ<sup>۲</sup>

۱. همان: ص ۳۲۰.

۲. همان: ص ۲۹۲.

### عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْخَدَّائِ تَرِيبٍ<sup>۱</sup>

چه کسی باورش می‌شد ای عزیز رسول خدا که گونه‌های تو به خاک مالیده شود. السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ<sup>۲</sup> عزیز فاطمه، سلام ما بر قطعه قطعه بدن تو. سلام ما بر آن بدنی که لباس‌هایش را به غارت بردند. تمام مصیبت سیدالشهدا و مظلومیتش در همین بدن قطعه قطعه و عریان حضرت نمودار بوده است. بنابراین بی‌بی عالم وقتی به گودی قتلگاه آمد، ابتدا دست‌هایش را زیر این بدن برد، خدایا این قربانی را از آل رسول بپذیر، سپس رو کرد به رسول خدا و ذکر مصیبت کرد. راوی می‌گوید، دوست و دشمن گریه می‌کرد. همه مصیبت بی‌بی در همین چند جمله خلاصه می‌شود: وامحمداه صلی علیک ملیک السماء، هذا حسینٌ بالعرء! مرملاً بالدماء!<sup>۳</sup> یا رسول‌الله ببین همه بدنش آغشته به خون شده. مقطّع الأعضاء! ویناتک سیایا!<sup>۴</sup> یا رسول‌الله یک طرف این بدن حسین توست که قطعه قطعه روی زمین افتاده. دشمن، بدنش را غارت کرده حرمتش را نگه نداشته و یک سوی دیگر این دختران تو هستند که دشمن آنها را به عنوان اسیر به اسارت می‌برد.

۱. همان: ص ۲۳۵.

۲. همان: ص ۳۱۷.

۳. مع الركب الحسيني: محمدجعفر طوسی، ج ۵، ص ۶۸.

۴. همان.